



نگاهی به گردهم آوردن معاریف ایران در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

مؤمن نیروهای عظیم النظر

[حجتی] پیش خودم می‌گفتم که یک تفنگ به دوش انقلابی کجا و دائرة المعارف اسلامی کجا!



خوشبختانه این درک و شعور در مدیریت مرکز بود که نیروهای عظیم النظری مانند زریاب و زرین کوب آسان به دست نیامده‌اند که مشت‌های سر نادانی یا غرض‌ورزی آن‌ها را به آسانی و در کمال بی‌آزمی از دست بدهند. پس حق بود که از وجود عزیز آن‌ها در مقام‌های دیگری بهره گرفته می‌شد. «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد». دانشگاه تهران باید به وجود بزرگانی چون زریاب، زرین کوب، ایرج افشار و شماری دیگر مباحثات می‌کرد و از آنان همچون گوهرهایی ذی‌قیمت مراقبت می‌کرد، ولی چه می‌توان کرد: «شبه‌فروش چه داند بهای دُر دری را». گناه استادان به اصطلاح «اخراجی» این بود که زیر بار حرف عده‌ای جوان کم‌تجربه که خیر را از شر باز نمی‌شناختند نرفته بودند. عده‌ای این‌گونه از دانشگاه بیرون آمدند و خوشبختانه آقای بجنوردی قدر و وزن آن بزرگواران و افراد دیگری چون استادان محمدحسن گنجی، شرف‌الدین خراسانی و عنایت‌الله رضا را نیک شناخت و به خدمتشان کمر بست و از ذخایر معنوی ایشان بهره‌ها گرفت. البته بسیاری از استادان دیگری که با مرکز همکاری می‌کردند، هنوز در دانشگاه شاغل بودند، مانند فتح‌الله مجتبائی، آذرتاش آذرنوش، صمد موحّد، احمد پاکتچی و غلام‌حسین ابراهیمی‌دینانی. بعضی را نیز، مانند علی‌اصغر حلبی و مهدی رفیع داشتیم که در حد استاد بودند اما وارد دانشگاه نشده بودند.



مجدالدین کیوانی، محمد خاکی و احمد تفضلی/ جلسه شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، اسفند ۱۳۷۲

گروه چریکی کوچکی را بر ضد نظام سلطنتی تشکیل داده، ولی زود لو رفته بود و در همین کوه و تپه‌های دارآباد گرفتار شده بود. زمانی که دوران زندان خود را می‌گذراند، به این فکر افتاده بود که روزگاری خیمه مرکز دائرة المعارف را برپا کند. چند سال پس از رهایی او از زندان، ممات مطلق به حیات مطلق تبدیل شد. آقای محمدجواد حجتی کرمانی، در مجلس رونمایی یکی از مجلدات دائرة المعارف، تعریف می‌کرد که وقتی با «آقا کاظم» در زندان به سر می‌بردیم، او پیوسته از طرح خود برای تولید دائرة المعارفی درباره اسلام سخن می‌گفت و من

هیئت علمی دانشگاه‌ها، از سوی گروه‌های تندرو تحت فشار بودند. پس از تأسیس بنیاد دائرة المعارف، که سه‌روزی در هفته به این محل می‌آمدم، برایم نوعی پناهگاه در مقابل آن برخوردها و رفتارهای تند و دلسردکننده در دانشگاه بود، زیرا محیطی آرام، خالی از بی‌رسمی، تشنج و زنده‌باد-مرده‌باد داشت. فضای طبیعی آن نیز آرامشی به ما می‌بخشید. به‌هرروی، در این‌جا مشغول شدم و هر بار که به بنیاد می‌رفتم، با چهره‌های جدیدی روبه‌رو می‌شدم. از سابقه آقای بجنوردی اطلاعی نداشتم و بعدها فهمیدم که ایشان پیش از انقلاب ۱۳۵۷،



مجدالدین کیوانی

عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

این مرکز در ابتدا «بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی» نام داشت و بعدها، بنابه دلایلی «بنیاد» به «مرکز» تغییر نام داد. آقای بجنوردی، رئیس مرکز، ظاهراً به واسطه‌ای با دکتر جعفر شعار و دکتر احمد تفضلی آشنایی حاصل کرده بود و تا جایی که می‌دانم این دو به‌دلیل دانشگاهی بودن، مسئولیت جذب نیرو به دائرة المعارف را داشتند. دکتر شعار به اینجانب پیشنهاد همکاری داد. قرار گذاشتیم روزی در محل بنیاد دائرة المعارف آن زمان، که در نیاوران، خیابان گلستان، یا شهید آقابلی کنونی، بود با ریاست مرکز، گفت‌وگویی داشته باشم. آقای بجنوردی آن روزها هنوز نسبتاً جوان بود و موی سپیدی بر سر و صورتش نبود. در اتاق ویراستاری که دفتر کار دکتر مهدی رفیع و آقای محمد خاکی هم بود، با آقای بجنوردی مذاکره کردم و قرار بر این شد که هفته‌ای سه‌روز به مرکز دائرة المعارف بیایم. آن زمان دانشگاه دوران تلاطمی را می‌گذراند و در هفت هشت سال اول پس از انقلاب، اعضای

مداقه‌ای بر ویژگی‌های مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

بارز و متمایز



مریم‌همایونی افشار

مدیر بخش هنر و معماری مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی چند ویژگی مهم دارد که آن را خاص و متمایز کرده است؛ نخست درایت ریاست آن، جناب آقای کاظم موسوی بجنوردی است که از همان ابتدای تأسیس آن با گردآوردن استادان برجسته در هر رشته سنگ بنای محکمی در ایجاد یک مرکز پژوهشی گذارد. سپس داشتن کتابخانه‌ای مجهز که در اختیار پژوهشگران قرار دارد و نیز داشتن روشی جالب برای بررسی و ویرایش مقالات در مراحل پیش و پس از تألیف که خطا داشتن در متن مقالات را اگر نکوییم به صفر، ولی به کم‌ترین حد می‌رساند. یکی دیگر از مزایای مرکز وجود کارکنانی است که با عشق و علاقه به کار تحقیق و پژوهش می‌پردازند و برای پیش‌برد و حفظ فرهنگ و تاریخ سرزمینمان بی‌هیچ چشم‌داشت مادی از دل و جان مایه می‌گذارند و با این خصایص محیط مطلوبی برای کار به‌وجود آمده است. آرزویم بقای افتخارآفرین و استمرار مرکز در آینده همچون گذشته پربارش است. اهداف ریاست مرکز و همه اعضای شاغل در آن، پیشرفت و اعتلای فرهنگ و تاریخ سرزمینمان است و اگر این اهداف چون قبل دنبال شود مرکز همچنان پرافتخار بر قله علمی کشور عزیزمان خواهد ایستاد.

درباره مجموعه ارج‌مند و ارزش‌مند دائرة المعارف بزرگ اسلامی

رشته‌ای که نباید قطع شود



مهدی محقق

عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

دائرة المعارف بزرگ اسلامی اثری سنگین و سترگ است و جناب کاظم موسوی بجنوردی همت گمارد و با راهبری و رهبری این کار بزرگ، مجموعه‌ای ارج‌مند و ارزش‌مند تهیه و تدوین شد که در آن، به‌ویژه در مجلدات نخستین، کسانی مدخل و مقاله نوشتند که جملگی از دوستان و یا شاگردانم بودند و همه از اعظم و اکابر فکر و فرهنگ ایران‌زمین. من نیز از همان آغاز به این نهضت علمی پیوستم. آینده مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی را که حالا به چهل‌سالگی یعنی سن پختگی رسیده است، تابان و درخشان می‌بینم زیرا به جایگاه و پایگاهی مستند و معتبر رسیده است. چنان‌که خبر دارم وقتی ترجمه عربی آن نشر یافت، اردنی‌ها دائرة المعارفی که مشغول نوشتنش بودند، تعطیل کردند و گفتند نخواهیم توانست دانشنامه‌ای با این اتقان و استحکام به رشته تحریر درآوریم. مؤسسه‌ای که توانست در کنار آن استادان تکرارناشدنی، نسل جدید و جوانی از اهل تحقیق را تعلیم دهد و تربیت کند که زیر نظر همان بزرگان و خبرگان کارآموزی کنند و حالا همه‌شان صاحب‌نظر و صاحب‌اثر شده‌اند. امیدوارم این مرکز با همین روش و منش که تا امروز رفته، به پیش رود و نسل تازه‌ای به عرصه دانشنامه‌نگاری ورود کنند که نگرانی خلا علمی در ایران رخت برینند. و اصلاً بهترین فایده و یکی از سودمندی‌های این نهاد نیز همین بود که رشته علمی در این سرزمین قطع نشد.